

ایلام (تمدن)

نه بر سامی بودن ایلامیان. براساس نوشتار (سفر پیدایش ۱۰:۱۴) یکی از شاهان شرق که در روزگار ابراهیم به فلسطین حمله کرده بود، کُدر لاغمر نام داشته است که نامی ایلامی بوده است.^[۱۹]

ایلامیان را قومی دانسته‌اند که مهوه آنان را برای گوشمالی بابل (اشعیا ۲:۲۱) و اورشلیم (اشعیا ۲:۲۶) به کار گرفت. (ارمیا ۵:۲۵؛ ۴:۴۹؛ ۳:۴:۴۹) خویشن را در رؤاییایی در دارالسلطنه شوش نزد نهر اولای دید؛ او صدای مردی را نیز از درون نهر اولای شنید (دانیال ۸:۱۶). شوش محل رخ دادن داستان استر در دوران خشاپارشا یا اخشورش بود. در کتاب استر بارها به بیره (دارالسلطنه) شوش اشاره شده است.^[۲۰]

در (عزرا ۴:۹) به مردانی از شوش اشاره شده است که آشوربانيپال آنان را به سامره تعیید کرده بود. نجمیا هنگامی که در شوش بود (نجمیا ۱:۱۰) از وضعیت ویرانی حصارهای اورشلیم باخبر شد. هرچند که در کتاب عهد جدید سخنی از شوش در میان نیست؛ زائرانی در روز پنطیکاست- عید پنجاهه که امروزه هم بهودیان پس از عید فصح و هم مسیحیان به مناسبت حلول روح القدس بر حواریون آن را جشن می‌گیرند- از ایلام به اورشلیم رفتے بودند. (اعمال رسولان ۹:۲)^[۱۰]

۳ تاریخ سیاسی ایلام

نوشتار اصلی: تاریخ ایلام

آگاهی ما از تاریخ ایلام عمدتاً حاصل بازسازی قطعات ناقص از منابع میان‌رودان (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) است. تاریخ ایلام معمولاً به سه دوره با گستره بیش از دو هزار سال تقسیم می‌شود. دوره پیش از نخستین دوره تاریخ ایلام به نیا-ایلامی مشهور است.

- نیا-ایلامی: حدود ۳۲۰۰ پ. م تا ۲۷۰۰ پ. م (خط نیا-ایلامی در شوش)^[۱۱]
- ایلام باستان: حدود ۲۷۰۰ پ. م تا ۱۶۰۰ پ. م (نخستین استناد تا دودمان اپرتی)^[۱۲]
- ایلام میانه: حدود ۱۵۰۰ پ. م تا ۱۱۰۰ پ. م (دودمان آزان تا حمله بابلی‌ها به شوش)^[۱۳]
- ایلام نو: حدود ۱۱۰۰ پ. م تا ۵۳۹ پ. م (قبل از میلاد آغاز دوره خامنشی)^[۱۴]

پژوهشگران جدید تا مدت‌ها ایلام را با سوزیانا یکی می‌پنداشتند، که سوزیانا متراوف با داشت و کوهپایه‌ای زاگرس سفلی در استان خوزستان امروزی است. همان مرکز باستانی پادشاهی انشان بوده است و دوم اثبات گردید که شوش و ایلام دو مفهوم تمایز بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، شوش متراوف ایلام نیست. در واقع، در طی تاریخ چندهزار ساله ایلام، مرزهای این سرزمین نه تنها از دوره‌ای به دوره دیگر، بلکه با توجه به دیدگاه کسی که ان را توصیف می‌کرد، متغیر بود. برای مثال، بر اساس منابع میان‌رودان می‌توان نقشه‌ای نسبتاً دقیق از ایلام در اوخر هزاره سوم پیش از میلاد ترسیم کرد؛ ترسیم این آشوری جدید تدوین شد و دامنه فتوحات سارگن بزرگ در حدود ۲۳۰۰

مختصات: ۲۹°۵۴' شمالی ۵۲°۲۴' شرقی / ۲۹.۹۰۰° شمالی ۵۲.۴۰۰° شرقی

عیلام یا به صورت جدیدتر، ایلام، نام یک تمدن در منطقه‌ای است که بخش بزرگی در جنوب غربی فلات ایران را در پایان هزاره سوم قبل از میلاد در بر می‌گرفت ولی در دوره هخامنشیان به منطقه جغرافیایی سوزیانا شوش (Susa) تقلیل یافت. عیلامیان کشورشان را (Ha(l) tamti/Hatamti) به معنی «سرزمین خدا» می‌خواندند، اکدیان بدان («الامتو») Elamtu می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه‌نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند.^[۱]

در ۲۷۰۰ پیش از میلاد، نخستین شاهنشاهی عیلامی در شوش (در جنوب غربی ایران) تشکیل شد.^[۲]

سفالینه‌های نقاشی شده متعلق به حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد در شوش واقع در عیلام بیانگر دوره‌ای پیشرفتی از طرح‌های هندسی، ایجاد سیک خاص از انسان و شکل‌هایی از جانوران در آنها می‌باشد.^[۳]

در حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد پادشاهی عیلام به پایختی شوش تشکیل گردید. همچنین در حدود ۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد عیلام توسط شولگی پادشاه دوم سلسله سوم اور تسخیر گردید و بعداً در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد سلسله سوم اور توسط عیلام واژگون می‌شود.^[۴]

در سال ۶۳۹ پیش از میلاد آشوربانيپال شاه آشور، عیلام را شکست داد و شوش را غارت کرد. پس از این جنگ، عیلام هرگز به عنوان یک قدرت مستقل ظاهر نگردید.^[۵]

عیلامیان از آغاز دوره پیش‌عیلامی تا پایان دوره عیلام نو، حدود ۲۶۶۱ سال در جنوب غربی ایران زندگی و حکومت می‌کردند.^[۶]

۱ نام

ایلامیان کشورشان را «هلشمتی» (Ha(l) tamti/Hatamti) به معنی «سرزمین خدا» می‌خواندند، اکدیان بدان («الامتو») Elamtu می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه‌نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند.^[۷]

نام دو استان در ایران برگرفته از نام باستانی آنان است. علاوه بر استان ایلام، نام خوزستان نیز از واژه *Ūvja* آمده که از روی کتبه نقش رستم و کتبه‌های داربیوش در تخت جمشید و شوش، به معنای ایلام بوده و بنا به گفته ایرج افشار در «نگاهی به خوزستان»: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی منطقه در یونانی *Uxi* تلفظ می‌شده^[۸] و اگر کمته ژول آپر را بدیزیریم در ایلامی *Xus* یا *Khus* بوده است. سر هنری راولینسون نیز تلفظ پهلوی *Ūvja* را Hobui دانسته که ریشه نام اهواز و خوزستان است. این لفظ از حاجوستان و هبوستان به دست آمده که در محمل التواریخ و القصص (ابتدا قرن ششم هجری) در اشاره به خوزستان آمده است.

۲ ایلام در کتاب مقدس

نام ایلام، نیای ایلامیان، در (سفر پیدایش ۱۰:۲۲) به عنوان پسر سام آمده است که این اشاره فقط می‌تواند بر بودن سامیان در این منطقه دلالت کند

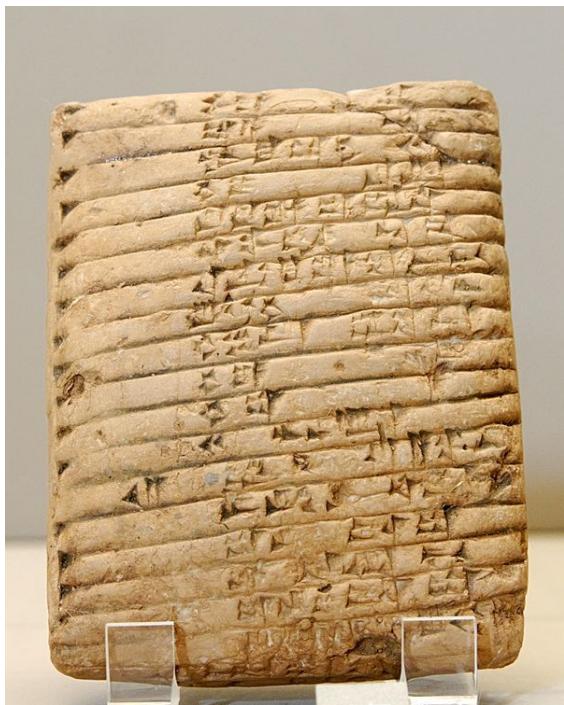
نیا-ایلامی دوره‌ای از تاریخ ایلام در بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۲۷۰۰ پیش از میلاد است.

۲.۳ ایلام باستان

در دوره ایلامی باستان، سه سلسله به ترتیب حکومت کردند. شاهان دو سلسله اول، یعنی سلسله‌های اوان و سیماشکی، در فهرست شاهانی که از اوقات از نظر سیاسی به امپراتوری‌های میان‌رودان وابسته بود که مرکز این امپراتوری‌ها ابتدا اکد و سپس اور بود؛ سوزیانا تنها برای بدت کوتاهی عضو کنفراسیون ایلامی بود. کنفراسیون ایلامی از چندین پادشاهی تشکیل می‌شد: **پادشاهی اوان** (احتمالاً در ناحیه زاگرس)، سیماشکی یا به تلفظ آشوری، شیمشکی (احتمالاً از کرمان تا دریای کاسپین) و انشان (استان امروزی فارس که به طور طبیعی از ناحیه بوشهر به خلیج فارس دسترسی دارد). باید افروز که کل این تعریف از دیدگاه میان‌رودانی هاست. برای مردم فلات ایران، یعنی اوانی‌ها و شیمشکی‌ها، ایلام به معنی سرزمین انشان بود.^[۱۶]

۱.۲.۳ پادشاهی اوان

نوشتار اصلی: **پادشاهی اوان**
پادشاهی اوان تا حدی با سلسله سارگن اکدی (۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ پیش



دودمان نامه شاهان اوان و شاهان سیماشکی؛ ۱۸۰۰ تا ۱۶۰۰ پیش از میلاد، موزه لوور.

از میلاد) همزمان بود و گمان می‌رود آخرین پادشاه این سلسله، پوزر ایشوشیناک، در زمان اور نمو (۲۱۱۲ تا ۲۰۹۵ پیش از میلاد) بنیان‌گذار سومین سلسله پادشاهی اور، سلطنت می‌کرد. در این مرحله اطلاعات راجع به ایلام در منابع میان‌رودان بسیار واضح و روشن می‌شوند، زیرا توجه میان‌رودانی‌ها به ثروت‌های طبیعی فلات ایران (مانند چوب، سنگ و فلزات) که خود فاقد آن بودند، جذب شده‌بود. گزارش لشکرکشی‌های ایشان اطلاعات مهمی برای بازسازی تاریخ و جغرافیای ایلام به دست می‌دهد. درباره هفت پادشاه نخستین مندرج در فهرست شاهان شوش هیچ چیز نمی‌دانیم،

پیش از میلاد را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که طبق تصور میان‌رودانی‌ها در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، کشور ایلام تمامی فلات ایران را در بر می‌گرفت، و از میان‌رودان تا دشت کویر و دشت لوت و از دریای کاسپین تا خلیج فارس گسترش داشت.^[۱۵]

اما نفوذ فرهنگ ایلامی در آن دوره بسیار گسترده‌تر از این مرزهای سیاسی بود و به آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و سواحل جنوبی خلیج فارس می‌رسید. باید تأکید کرد که در طی سده‌های آخر هزاره سوم، سوزیانا گاهی اوقات از نظر سیاسی به امپراتوری‌های میان‌رودان وابسته بود که مرکز این کنفراسیون ایلامی بود. کنفراسیون ایلامی از چندین پادشاهی تشکیل می‌شد: **پادشاهی اوان** (احتمالاً در ناحیه زاگرس)، سیماشکی یا به تلفظ آشوری، شیمشکی (احتمالاً از کرمان تا دریای کاسپین) و انشان (استان امروزی فارس که به طور طبیعی از ناحیه بوشهر به خلیج فارس دسترسی دارد). باید افروز که کل این تعریف از دیدگاه میان‌رودانی هاست. برای مردم فلات ایران، یعنی اوانی‌ها و شیمشکی‌ها، ایلام به معنی سرزمین انشان بود.^[۱۶]

هنگامی که ایلامی‌ها با مردم سوزیانا متحد شدند و در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد به امپراتوری سوم اور پایان دادند، آنها سوزیانا را به ایلام ضمیمه کردند؛ سپس نهمین شاه سیماشکی در سوزیانا، دودمان اپرتی یا سوکل مخ‌ها را تشکیل داد. بنابراین، این سلسله ریشه در فلات ایران داشت. مشخص کردن مرزهای شرقی پادشاهی اپارتی مشکل است، اما با کم‌شدن قدرت ایشان در سده ۱۸ پیش از میلاد، احتمالاً نفوذ ایشان در شرق هم کاهش یافت. درباره «پادشاهان انشان و شوش» که در دوران ایلامی میانه (۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد) حکومت می‌کردند، بنا به مدارک موجود، می‌دانیم که حداقل بر استان‌های امروزی خوزستان، فارس و بوشهر اعمال سلطه داشتند. در هزاره اول پیش از میلاد، گسترش اقوامی که به زبان‌ها و لهجه‌های هندوارانی سخن می‌گفتند به داخل فلات ایران، باعث شد که ایلامی‌ها قلمروهای امپراتوری خود را یکی پس از دیگری از دست بدند و در سوزیانا پناه بگیرند؛ از این پس بود که مرزهای ایلام به سوزیانا محدود گردید. در سالنامه‌های آشوریانپال، کتیبه‌های هخامنشی و کتاب مقدس و کتب جعلی آن به همین سرزمین کوچک اشاره شده‌است.^[۱۷]

با وجود پیشرفت‌های جدید، شناخت ما از تاریخ ایلام همچنان بسیار ناقص است. بهدلیل اندک بودن منابع بومی، بازسازی تاریخ ایلام عمدتاً باید بر مبنای متون میان‌رودان صورت بگیرد. تاکنون بزرگترین قسمت متون ایلامی در حفاری‌های شوش بدبست آمده، شهری که از بدو پیدا شدن در حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، گاه زیر سلطه قدرت ایلام و گاه زیر سلطه میان‌رودان بوده‌است. در حفاری‌های قدیمی ترین سطوح محوطه شوش، سفال‌های قابل توجهی به دست آمده که مشابه آنها در میان‌رودان یافت نمی‌شود. در حالی که در دوره بعدی (سطوح ۲۲ تا ۱۷ در کاوش‌هایی که «لو برون» نامیده) مواد باستان‌شناسی به دست آمده با مواد میان‌رودان در دوره اوروك شباخت دارد. از حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد، می‌توان تأثیر فلات ایران را در شوش مشاهده کرد؛ زیرا نمونه‌های مشابه الواح عددی و سپس الواح ایلامی ابتدایی که در شوش پیدا شده، در تعداد کمتر در سایتهای فلات ایران تا نقاط دوردستی چون شهر سوخته در سیستان به دست آمده‌است. خط عیلامی ابتدایی که تمامی تلاش‌ها برای کشف رمز آن ناکام مانده‌است، تا حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد استفاده می‌شد اما در دوره کمتر شناخته شده‌بعدی، یعنی بین پایان دوره نیا-ایلامی و تأسیس سلسله اوان، ایلام به تدریج از گمنامی در آمد. نخستین بار که نام پادشاهی ایلام را می‌بینیم در کتیبه‌ای از انمبرگسی شاه کیش است که در حدود ۲۶۵۰ پیش از میلاد حکومت می‌کرد. اما تنها از آغاز دوره اکدی است که نام ایلام در منابع مکتوب دیده می‌شود.^[۱۸]

۱.۳ نیا-ایلامی

نوشتار اصلی: نیا-ایلامی

،*mār ahāti* ſilhaha، محققان گمان می‌کردند که ترجمهٔ صحیح همچون میان‌رودان، خواهرزاده (پسر خواهر) است، و این اصطلاح واقعاً به یک رابطهٔ نسبی اشاره می‌کند. می‌کند. در نتیجه، درباره تقسیم قدرت بین شاخه‌های مستقیم و عرضی خانواده شاهی فرضیه‌ای مطرح شد که خاص ایلام بود. اما واقعیت کاملاً متفاوت بود: معنی واژگان «پسر خواهر شیلخخه» خواهرزاده نیست، بلکه به معنی پسری است که شیلخخه از همبسترهای خواهر خودش به دنیا آورده و نشانه وجود ازدواج با محارم در میان خانواده سلطنتی است؛ وارث مشروع شاه، از این ازدواج زاده می‌شد. به علاوه، این عبارت تنها یک عنوان یا لقب بود، چنان‌که قرن‌ها بعد از مرگ شیلخخه، اونتاش نپیریشه و خوتلوتوش اینشوشوینک، خود را پسر خواهر شیلخخه می‌نامند. این نکته‌هم اضافه شود که عبارت اکدی را در ایلامی به *ruhu*-*šak* ترجمه کرده‌اند: *ruhu* یعنی پسر، هنگامی که به مادر اشاره می‌شود و *šak* یعنی پسر، هنگامی که به پدر اشاره می‌شود. اصلًاً مسئله کلمهٔ «خواهر» در میان نیست.^[23]

موضوع دوم، که همانند موضوع اول، مانع برای بازسازی درست تاریخ ایلام بوده، کتبیه‌ای از **شیلخک اینشوشوینک** است که در آن، گروهی از شاهان پیشین خود را نام می‌برد که عبدي متعلق به اینشوشوینک را بازسازی کرده بودند. اکثریت مورخان گمان کرده‌اند که شیلخک اینشوشوینک در این کتبیه، شاهان پیشین خود را بر حسب ترتیب زمانی ذکر می‌کند و می‌توان این فهرست را با وارد کردن نام شاهانی که به آن‌ها اشاره‌نشده، کامل کرد. اگرچه نام پادشاهان اولیه، عموماً در ابتدای فهرست آمده و در انتها به پادشاهان جدیدتر اشاره شده، دونون هر گروه ترتیب چینش شاهان با منابع دیگر تعارض دارد. ترتیب زمانی بهم‌خورده، چون چینش شاهان بر مبنای نسب است، گاهی اوقات، در ابتدای شاخه مستقیم آورده‌شده سپس شاخه‌های عرضی، اما گاه شاخه‌های عرضی، بدون توجه به ترتیب زمانی، بر شاخه مستقیم مقدم شده‌است. ترتیب شاهان دوره سوکل مخ‌ها به این صورت است: «اپری (ابارت)، شیلخخه، سیروک توخ، سیروک پلر خویاک، کوک گیرمش، آنه خوشو، تمیخلکی، و کوک نتشو». در اینجا ترتیب اپری، شیلخخه، سیروک توخ، سیروک پلر خویاک در شاخه مستقیم صحیح است (رابطهٔ پدر پسری دارند). اما دو شاه بعدی یعنی کوک گیرمش و آنه خوشو، از نظر ترتیب زمانی در جای درست نیستند، زیرا ایشان بین دوره شیلخخه و سیروک توخ حکومت کرده‌اند. بنابراین کوک کیرماش از یک «پسر لانکوکو» و به همین دلیل در فهرست کتبیه شیلخک اینشوشوینک، وی «پسر لانکوکو» نامیده شده‌است. نام لانکوکو در منابع دیگر نیامده و احتمالاً هرگز به حکومت نرسیده‌است. احتمال دارد که وی برادر یکی از سوکل مخ‌ها بوده‌است که وقتی در گذشت، وارث مستقیم نداشت یا وارث او برای سلطنت، سیار جوان بود و بهاین دلیل، پسر برادر او یعنی پسر لانکوکو به حکومت رسید. دلایل بیشتر، از کتبیه‌های برخی از کارمندان رده بالایی به دست می‌آید که بعد از خدمت در دستگاه ایدادو دوم، دهمین پادشاه سیماشکی، به کوک کیرماش خدمت کرددن. بنابراین، آن گونه که در گذشت به نادرست پنداشته می‌شد، نمی‌توانسته در قرن پانزدهم پیش از میلاد حکومت کرده باشد. تمتی خلکی و کوک نشور آخرین شاهان شناخته‌شده سوکل مخ‌ها، احتمالاً از شاخه مستقیم بودند.^[24]

سرانجام، موضوع سوم این بود که مورخان گمان می‌کردند، کتبیه‌ای از اته خوش‌نشان می‌دهد که زمان حکومت اپری، شیلخخه و آنه خوشو همزمان بوده و نخستین حکومت سه نفره سلسله را تشکیل داده‌اند. در واقع بر اساس مدارک مختلفی، به ویژه مهرهای استوانه‌ای خدمت‌گزاران این پادشاهان، می‌توان نشان داد که بین شیلخخه و آنه خوشو، شش سوکل مخ اعمال قدرت کرده‌اند: «پالا ایشن، کوک کیرماش، کوک سنتیت، کوک نخونته و کوک نشور اول». این گروه در قرن بیستم پیش از میلاد سلطنت کرددن، اما بسیاری از پژوهشگران، مانند والتر هینتس و هاید ماری کنخ، حکومت ایشان را در قرن شانزدهم پیش از میلاد می‌دانند.^[25]

با توجه به اصلاح شدن تفاسیر مربوط به این سه مورد، اموره می‌توان تاریخ سلسله اپری را به طور منسجم، اگرچه ناکامل، نوشت. پادشاهان سیماشکی که جانشین کینداتو شدند، بعد از سقوط امپراطوری اور در شوش مستقر شدند. پادشاهان سیماشکی، ایدادو اول و تن روخوارتر دوم (که با مکوبی، دختر بیلاما پادشاه اشونوا در میان‌رودان ازدواج کرد) معابدی را در شوش

اما هشتمین و نهمین شاه (به ترتیب معکوس) در گزارش لشکرکشی‌های سارگن و پرسش ریموش ذکر شده‌اند. هدف اصلی این لشکرکشی‌های اکدی بهره‌برداری اقتصادی از سرزمین ایلام شامل مرخشی (بلوچستان) بود. اما بهنظر می‌رسد که این لشکرکشی‌ها در حد تاخت و تاز برای کسب غنیمت بود نه فتح واقعی آن قلمرو پهناور. منیش توشو، شاه اکدی، به جنگ در جنوب ادامه داد و یک پیروزی در «شخیروم» در ساحل خلیج فارس به دست آورد، سپس برای مطیع کردن اتحادیه‌ای از سی و دو شهر در ساحل عربی خلیج فارس از دریا عبور کرد. در دوران حکومت نرام-سین کرد، اما جمعاًهده بین حاکم تابع نرام-سین که در شوش حکومت می‌کرد و شاه اول، شاید خیتا، منعقد شد. این قدیمی‌ترین متن شناخته‌شده ایلامی است که با نشانه‌های خط میخی نوشته شده اما ترجمه و تفسیر آن سخت است.^[26]

آخرین پادشاه فهرست شاهان شوش، پوزور اینشوشوینک، ابتدای شوش و سپس انشان را فتح کرد و به نظر می‌رسد که با مطیع کردن پادشاه سیماشکی توانست وحدت کوتاه‌مدتی در فدراسیون ایلامی به وجود آورد، اما جانشینان او نتوانستند که شوش را در قلمرو ایلام نگهدازند. پوزور اینشوشوینک چندین کتبیه با نام خود در شوش باقی گذاشتند. برخی از آنان به اکدی نوشته شده‌اند و بقیه به خط ایلامی باستان یا ایلامی خطی، ایلامی خطي یک نظام نگارشی است که تنها محدودی از نشانه‌های آن با قطعیت رمزگشایی شده‌اند. شاید نشانه‌های ایلامی خطی از ایلامی گرفته شده باشند. اما سلطه پادشاهان ایلام بر شوش دیری نپایید، چند سال بعد شولگی، پادشاه اور (۲۰۴۷ تا ۲۰۴۶) پیش از میلاد، این شهر و نواحی اطراف آن را ووابه تصرف کرد، و با دیگر شهر شوش پخش تابع امپراطوری میان‌رودان شد و تا فروپاشی آن امپراطوری به همین شکل باقی ماند.^[21]

۲.۲.۳ پادشاهی سیماشکی

نوشتار اصلی: پادشاهی سیماشکی

از دوازده پادشاه سیماشکی که نام آنان در فهرست شاهان شوش ذکر شده، نام ۹ نفر در منابع دیگر آمده‌است. در قسمت اول این دوره مشاهده می‌کنیم که میان‌رودانی‌ها بی‌دریبی به فلات ایران حمله می‌کنند؛ بهنظر می‌رسد که هدف اصلی این حمله‌ها، سیماشکی، موطن پادشاهان ایلامی بود که در ناحیه کرمان امروزی قرار داشت؛ اما حمله‌ها به‌ندرت موفق آمیز بود. در میان این لشکرکشی‌ها دوره‌هایی از صلح بود که با ازدواج میان خانواده‌های سلطنتی همراه بود. برای مثال، شو سین، پادشاه اور، یکی از دخترانش را به ازدواج شاهزاده انشان درآورد، اما بعداً حداقل دو بار به ساحل جنوب شرقی دریایی کاسپین حمله کرد. بهنظر می‌رسد که میان‌رودانی‌ها برای به‌دست‌آوردن مواد خام مورد نیاز، گاه به روش‌های صلح‌آمیز و گاه به زور توسل می‌جستند. اما قدرت میان‌رودانی‌ها رو به افول بود. ایبی سین، آخرین پادشاه سلسله اور (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۲) پیش از میلاد، قادر نبود به عمق قلمرو ایلام نفوذ کند و عامل او، ایر ناندا، دیگر بر قسمت عمدۀ شرق امپراطوری سلطنه نداشت و تنها بر سرزمین‌های خط شمال غربی به جنوب شرقی از آریلا به شیمه در ساحل شمالی خلیج فارس تسلط داشت. در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد، ایلامی‌ها با سوزیانا متحد شدند و به رهبری کینداتو، ششمین پادشاه سیماشکی، اور را فتح کرددند و ایبی سین را به عنوان زندانی به ایلام بردن.^[22]

۲.۲.۴ پادشاهی اپری

نوشتار اصلی: پادشاهی اپری

به نظر می‌رسد این دوره طولانی که حدوداً سه سده به‌طول انجامید، با وجود تعداد بیشتر و تنوع مدارک موجود، هنوز یکی از متشوشن ترین دوره‌های تاریخ ایلام است. سه موضوع که بازسازی تاریخ این دوره را کاملاً تحریف کرده و مورخان جدید را به اشتباه انداخته است: اول، ترتیب جانشینی و شجره‌نامه حاکمان این دوره است؛ در نتیجه *mār ahāti* (شیلخخه) «پسر خواهر شیلخخه»

۲.۳ ایلام میانه

در دوره ایلام میانه، شاهان ایلامی سریعاً راه خود را از دوره قبل جدا کردند. در واقع ویژگی این دوره، «ایلامی شدن» سوزیانا است (برخلاف «سامی شدن» در دوره قبل). شاهان این دوره، عنوان سوکل مخ یا سوکل را رها کردند و عنوان قدیمی «شاه انشان و شوش» را بر گزیدند (در کتبه‌های اکدی به صورت «شاه شوش و انشان»). زبان اکدی در زمان اولین خانواده حاکمان ایلامی میانه، یعنی کیدینوها، هنوز استفاده می‌شد، ولی در کتبه‌های دو دودمان بعدی، ایگه هلکی‌ها و شوتروکی‌ها، به ندرت دیده می‌شود.

در خشان ترین دوره حاکمیت ایلامی‌ها از نظر هنر و معماری، دوره میانی است که در آن آثار معماری ارزشمندی ایجاد گردیده که اغلب معابد هستند. ایلامی‌ها هم مانند اقوام باستانی دیگر به مذهب و پرستش خدایان متعدد اهمیت می‌داده‌اند و ممید این مطلب کشف معابد، گورها و نقوش برجسته در نقاط استقرار آنهاست. یکی از آثار قابل تأمل و مهم آنها زیگورات چغازنبیل است.

در این دوره مجمع خدایان ایلامی بر سوزیانا تحمیل شد و با ساخت مجموعه سیاسی دینی چغازنبیل، به اوج قدرت خود رسید.^[30]

زیگورات چغازنبیل کهن ترین اثر ایرانی است که دارای ابعاد و خصوصیات خیره کننده است و با اهرام مصر برابر می‌کند. این بنای عظیم به صورت هرم مطبق یا پله پله ساخته شده است.^[31]

در حدود ۱۴۲۴ تا ۱۴۲۰ پیش از میلاد، در گیری‌های بین ایلام و آشور افزایش پیدا می‌کند. توکولتی نینورتای یکم پادشاه آشور به کوه‌های شمال ایلام حمله می‌کند. در همین دوره و در زمان پادشاهی کیدین خوران (Kidin-Kutran) ایلام به بابل حمله می‌کند.^[32]

در حدود ۱۱۷۱ پیش از میلاد، کویترناخونته شاه ایلام به بابل حمل کرده و آن سرزمین را فتح می‌کند.^[33]

در حدود ۱۱۰۰ تا ۷۷۰ پیش از میلاد، اتحاد ایلام و بابل علیه آشور صورت می‌پذیرد.^[34]

۱.۳.۳ دودمان کیدینوها

نوشتار اصلی: دودمان کیدینو

به کار بردن واژه دودمان برای کیدینوها شاید نادرست باشد، زیرا هنوز هیچ نشانه‌ای از رابطه پدر فرزندی بین پنج حاکمی که یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند، در دست نیست: کیدینو، اینشوشنینک سونکیر نبی پیر، تنروخوارت دوم، شala، و تپتی اهر. مدارک شوش و هفت تپه، کیناک باستان، نشان می‌دهند که بین دوره سوکل مخ و دوره ایلامی میانی انقطاعی وجود دارد. نخستین نشانه انقطع، انتخاب قلب بود. کیدینو و تپتی اهر خود را شاه شوش و ازان^{۳۵} نامیدند و به این شکل خود را به سنتی کهن متصل کردند. لقب دیگر آن دو، «خدمتگزار کیریواشیر» خدایی ایلامی است، بدین گونه مجمع خدایان فلات ایران را در سوزیانا رواج دادند. اما مانند دوره قبل، آنان همچنان زبان اکدی را در تمام کتبه‌های خود استفاده کردند.

۲.۳.۳ دودمان ایگه هلکی

نوشتار اصلی: دودمان ایگه هلکی

تا همین اوخر، به نظر می‌رسید که دودمان ایگه هلکی یکی از شناخته شده‌ترین دودمان‌ها در تاریخ ایلام است. مورخین گمان می‌کردند که به دنبال حمله یکی از شاهان کاسی به نام کوریگلزو دوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۰۸ پیش از میلاد) علیه شاه ایلامی به نام هورپیلا ایگه هلکی در حدود سال ۱۳۲۰ پیش از میلاد، قدرت را به دست گرفت؛ سپس حکومت وی

ساخته یا تجدید بنا کرده‌اند. اما اپرته دوم اگرچه در فهرست شاهان شوش نهمین شاه سیماشکی نامیده شده‌است، بنیان‌گذار سلسله‌ای جدید بود که مورخین امروزی آن را سلسله اپرته‌ها می‌نامند. جای تعجب است که اولین شاهان اپرته، همزمان با آخرین شاهان سیماشکی (یعنی ایدادو دوم، ایدادو نپیر، و احتمالاً ایدادو تمتی) حکومت می‌کردند. اپرته، اولین شاه سلسله‌اش، حداقل در بخشی از عمرش با گروهی از شاهان سوکل مخ، همزمان بود. دومین شاه اپرته، شیلخخه، در دو سند از دوره آنه خوشو ذکر شده است؛ اته خوشو با سومو ابوم (۱۸۹۴ تا ۱۸۸۱) نخستین شاه سلسله‌ای اول بابل، همزمان بود.^[26]

دو ویژگی در سلسله سوکل مخ‌ها قابل توجه است: یکی طول حکومت ایشان و دوم، تمایل روزافزون خاندان سلطنتی به فرهنگ سامی. با ملحک کردن سوزیانا به امپراتوری ایلام، سوکل مخ‌ها باعث شدند که شوش همچنان مرکزی مهم بماند. این فرایند در چند حوزه مشهود است. برای مثال، ایلامی‌ها زبان خود را بر مردم شوش تحمیل نکردند؛ اکثریت غالب اسناد این دوره که از حفاری‌های شوش بدست آمد، به زبان اکدی هستند؛ بیشتر آنها اسناد حقوقی یا اقتصادی مربوط به زندگی روزمره بوده و نام سوکل مخ یا سوکل در آنها ذکر شده‌است.^[27]

همچون زبان، مردم شوش مجمع خدایان (پانتئون) شوشی-میان‌رودانی خود را نیز حفظ کردند که در رأس آن، اینشوشنینک، خدای حامی این شهر قرار داشت. خدایان اصیل ایلامی نادر بودند. نهایتاً این توجه به فرهنگ سامی، یا غربی‌شدن، در القاب مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، عنوانین شاهی نیز تمایل سوکل مخ‌ها را به فرهنگ سامی نشان می‌دهد. عنوان «شاه اشان و شوش» که لقب اپرته، بنیان‌گذار سلسله سوکل مخ‌ها، بود، به‌زودی کنار گذاشته شد و عناوینی استفاده شد که به کارگزاران میان‌رودانی منصب شده در شوش یا ایلام در دوران امپراطوری سوم اور متعلق بود. قدرت عالی در دست سوکل مخ بود. گاهی فرمانروا بخشی از قدرت را به فرزندان خود محول می‌کرد، که در این صورت اگر فرماندار ایالت‌های شرقی امپراتوری بودند، لقب «سوکل شوش» ملقب می‌شدند؛ گاه به این فرماندار سوزیانا می‌شدند، به «سوکل شوش» ملقب می‌شدند؛ گاه به این فرماندار «شاه شوش» لقب می‌دادند. بنابراین لازم است تا فرضیه تقسیم قدرت در ایلام را کنار بگذاریم. جانشینی بر تخت شاهی حق پسر ارشد بود، اما یک عنصر مهم به آن اضافه شده بود، مشروعیت، درجه‌بندی داشت: فرزندان حاصل از ازدواج درون‌خانوادگی بر فرزندان حاصل از ازدواج با غریبیه‌ها تقدم داشتند. فرزندی که از وصلت پادشاه با یک شاهزاده خانم ایلامی، یعنی غریبیه (خارج از خانواده)، به دنیا می‌آمد، مشروع بود. اما فرزندی که از وصلت پادشاه با خواهر خودش به دنیا می‌آمد، مشروعیت بالاتری داشت. بنابراین، پسر ارشد که از ازدواج شاه با یک شاهزاده خانم خارج از خانواده (ازدواج برون همسری) به دنیا آمد، می‌باشد تاج و تخت را به برادر کوچک‌تری که از ازدواج بعدی شاه با خواهرش (ازدواج برون همسری) به دنیا می‌آمد، و اگذار می‌کرد. پسری که از ازدواج شاه با دخترش به دنیا می‌آمد، بالاترین درجه می‌گرد. پسری که از ازدواج شاه با خوتلوتوش اینشوشنینک مشروعیت را داشت. این مورد چند قرن بعد برای خوتلوتوش نخونته از دخترش نخونته اوتو پیش آمد، که به نظر می‌رسد پسر شوتروک نخونته از دخترش نخونته اوتوبود. در شرایطی که پادشاه وارث مذکور نداشت یا وارث او برای حکومت کردن خیلی جوان بود، قدرت به شاخه عرضی می‌رسید، مانند کشورهای دیگر.^[28]

لازم نبود که «سوکل ایلام و انشان» و «سوکل شوش» با مقام عالی سوکل مخ پیوند خانوادگی داشته باشد. اما گاه پیش می‌آمد که شاه به دلایل عملی (فایده، مصلحت) فرزندان خود را در قدرت شریک می‌کرد. این احتمال وجود دارد که همانند دوره هخامنشی، دریار به هنگام تابستان به علت گرمای شدید، شوش را ترک می‌کرد و در فلات که معتدل‌تر بود، پناه می‌گرفت. پس احتیاط حکم می‌کند که فرد مورد اعتمادی را برای اداره سرزمین‌های پست منصوب کند.^[29]

حتی پیچیده‌تر از این بود. در داخل سه دیوار متحدم‌المرکز چغازنبیل، معابدی برای خدایان مختلف پانتئون جدید شوشاً-ایلامی ساخته شدید و به‌نظر می‌رسد که تمامی خدایان اصلی کنفراسیون ایلامی حضور داشتند. برای مثال، پیونی‌کیر، هومیان، کیرمیشیر و نهونته، احتمالاً متعلق به مجمع خدایان اوان بودند؛ در صورتی که روپوراتر و هیشمیک، خاستگاه سیماشکی داشتند. از بین خدایان انشان، می‌توان به زوج نپیریشا و کیربریشه، به علاوه کیلخ شوپیر و منزت اشاره کرد. خدایان دیگر شوشاً-میان‌رودانی، مانند اینشوشنیک، ایشمکرب، نبو، شمش و ادد، بین قدرت ایلام و شوش تعادل برقرار می‌کردند.^[38]

تأسیس شهر چغازنبیل بدون هیچ سابقه‌ای، بیشتر ماهیتی سیاسی داشت تا دینی، زیرا نشان می‌دهد که کنفراسیون کهن ایلامی از نظر فرهنگی و سیاسی بر سوزیانا مسلط شده‌است. عجیب است که این مجتمع عظیم به سرعت متوجه شد. هیچ پادشاه دیگری به جز اونتش نپیریشه کتبیه‌ای به نام خود در آنجا باقی نگذاشت و شوتروک نخونته گزارش می‌کند که کتبیه‌هایی را از دورافتاش به شوش برده‌است. دربارهٔ دو جانشین بلافضل اونتش نپیریشه، یعنی کیدین هوتران دوم و نپیریشه اونتش اطلاعی در دست نیست. لشکرکشی‌های آخرین شاه این سلسله، کیدین هوتران سوم، علیه پادشاهان کاسی بابل، انليل ندین شومی و ادد شوما ادینا، دلالت می‌کند که روابط خوب این دو خانواده سلطنتی، به سرعت از بین رفته بود (زمانی بین این دو خانواده روابط حسن‌ وجود داشت).^[39]

۳.۳.۳ دودمان شوتروکی

نوشتار اصلی: دودمان شوتروکی

در زمان شوتروکی‌ها، شوش، بزرگی خود را که تا حدی با ساخت چغازنبیل تحت الشاعر قرار گرفته بود، دوباره به دست آورد و تمام جلال و شکوه تمدن ایلامی دوباره آشکار شد. تروت‌های شوتروک نهونته یکم و سه پسر و جانشین او به این نسل جدید «شاهان انشان و شوش» امکان داد تا به کرات علیه شاهان کاسی میان‌رودان لشکرکشی کنند و امپراطوری ایلام و بهوژه شوش را با معابدی که به شکل باشکوهی بازسازی شده‌بودند، تزئین نمایند. سه جانشین شوتروک نهونته عبارت بودند از کوتیر نهونته دوم، شیلهک اینشوشنیک و هوتلوتوش اینشوشنیک.^[40]

شوتروک نهونته، پسر هولوتوش اینشوشنیک، چندین بار علیه میان‌رودان لشکرکشی کرد و از آج‌گانه‌ایمی آورد که بر روی آن‌ها نامش را نوشتند. اطلاعات بدست آمده از یک نامه که اینک در موزه خاور نزدیک برلین نگهداری می‌شود، مشخص می‌کند که شوتروک نخونته بر بابل ادعای سرووری داشت و شاید این جنگ‌ها بعد از انکار بابلی هارخ داد. بهین ترتیب، می‌دانیم که او به اکد، بابل، و اشتونا حمله کرد و مجسمه‌های متیش توشو را از اشتونا به غنیمت گرفت. همین شاه ایلامی بود که استاد شههوری مانند قانون حمورابی و استلت نرام سین را به عنوان غنیمت به شوش آورد. در سال ۱۱۵۸ پیش از میلاد، او شاه کاسی، زیبا شوما ایدینا را گشت و پسر ارشد خود کوتیر نهونته را بر تخت سلطنت بابل نشاند. وقتی شوتروک نهونته در گذشت، کوتیر نهونته جانشین او شد و سیاست وی را در میان‌رودان ادامه داد و با معزول کردن انليل ندین اخى^[41] تا ۱۱۵۷ پیش از میلاد) سلسله طولانی کاسی‌ها را پایان داد. او فقط برای مدت کوتاهی سلطنت کرد و سپس برادرش شیلهک اینشوشنیک جانشین او شد. شیلهک اینشوشنیک کتبیه‌های زیادی از خود به زبان ایلامی بر جای گذاشته است که از یکسو، لشکرکشی‌های متعدد او را به میان‌رودان ثبت کرده‌اند و از سوی دیگر، معابدی را که او ساخته‌یا بازسازی کرده و به خدایان تقدیم کرده بود را مشخص می‌کنند. برای مثال، در کتبیه‌ای ذکر می‌کند که بیست معد «دارای باغ» را در شوش و ایلام تقدیم خدایان کردند.

آخرین پادشاه این دودمان، هوتلوتوش اینشوشنیک، گاه خود را «پسر کوتیر نهونته و شیلهک اینشوشنیک» نامیده و گاه خود را «پسر شوتروک نهونته، و کوتیر نهونته، و شیلهک اینشوشنیک» می‌نامد؛ وی احتمالاً پسر شوتروک نهونته از دخترش نهونته اوتو بود، که ظاهرآ نمونه دیگری از ازدواج با محارم

به شش جانشینیش منتقل شد، که معروف‌ترین ایشان اونتش نپیریشه است که در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد، زیگورات معروف چغازنبیل را ساخت. این دوره با کیدین هوتران سوم خاتمه یافت که وی با به دست آوردن دو پیروزی در مقابل انليل ندین شومی^[42] (پیش از میلاد) و ادد شوما ایدین^[43] (پیش از میلاد) به عظمت و شکوه کاسی‌ها پایان داد. ترکیب اطلاعات بدست آمده از یک نامه که اینک در موزه خاور نزدیک برلین نگهداری می‌شود و دو قطعه از یک مجسمه بازکش شده در موزه لوور، موجب تجدید نظر کامل در این تصور گردید. نامه موجود در برلین، یک متن با بلی جدید است که به زبان اکدی نوشته شده‌است، ولی به روی تکه‌های مجسمه، کتبیه‌ای به زبان ایلامی هست. فرستنده نامه یک شاه ایلامی است که نام او روی متن از بین رفته اما به احتمال قوی، شوتروک نهونته یکم است؛ نویسنده ادعا می‌کند که حکومت بابل حق اوست. نام مخاطب نامه هم از بین رفته است. شاه ایلامی بر اثبات ادعایش بر حکومت بابل، نام تمام شاهان ایلامی را که با شاهدختان کاشی ازدواج کرده بودند، به علاوه فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، ذکر می‌کند. برای نمونه، جانشین بلافضل ایگه هلکی، پهیر ایشان یکم، با خواهر یا دختر کوریگلزو اول ازدواج کرد؛ پایان حکومت کوریگلزو اول، سال ۱۳۷۴ پیش از میلاد بوده است، پس معلوم می‌شود که سلسله ایگه هلکی تقریباً یک قرن از آنچه پیشتر تصور می‌شد قدیمی‌تر بوده است. به علاوه، دو شاه که پیشتر ناشاخته بودند در این متن ذکر شده‌اند: یکی، کیدین هوتران دوم، پسر اونتش نپیریشه (این شخص نمی‌تواند همان کیدین هوترانی باشد که با کاسی‌ها جنگید)، دوم، پسر وی نپیریشه اونتش. چون قطعات مجسمه موزه لوور به کیدین هوتران دیگری که پسر پهیر ایشان بوده منسوب است، حتی‌باشد به این نام در سلسله ایگه هلکی‌ها وجود داشته است: کیدین هوتران اول، پسر پهیر ایشان؛ کیدین هوتران دوم، پسر اونتش نپیریشه و کیدین هوتران سوم که پدرش معلوم نیست؛ بنابراین تعداد پادشاهانی که در این دوره به قدرت رسیدند، از هفت به ده نفر افزایش یافت، و هنوز معلوم نیست که فهرست کامل باشد. در واقع، نخستین توصیف به جامانده درباره این سلسله در یکی از کتبیه‌های شیلهک اینشوشنیک از دودمان شوتروکی است؛ وی در آن کتبیه، شماری از شاهان قبلي را نام می‌برد که معبدی از اینشوشنیک را بازسازی کرده بودند. در نامه برلین هم فقط به شاهانی که با شاهدخت‌های کاسی ازدواج کرده بودند یا فرزندان ایشان اشاره شده‌اند. شاهی که در این دو گروه نباشد، گمنام می‌ماند. سرانجام، اکنون می‌توان تأیید کرد که هورپیلا، شاه ایلام نبود بلکه شاه سرزمینی به نام الامات بود.^[44]

ویژگی اصلی این سلسله، «ایلامی کردن» سوزیانا است؛ مجتمع دینی چغازنبیل، دورافتاش باستان، گواهی بر این سیاست است، که در زمان کیدینووها آغاز شده بود. در حالی که اپرتهای، عناوین، خداهایان و زبان خود را از شوشی‌ها اقتباس کرده بودند، ایگه هلکی‌ها بر جنبه ایلامی سوزیانا تأکید کردند. از این‌رو، استناد نوشته‌شده به زبان اکدی از زمان حکومت ایگه هلکی‌ها بسیار نادر است و غالباً این نوشته‌های اکدی، لعن و نفرین کسانی است که اثار یادبودی ایشان را خراب کنند، گویی که این ویرانگری تنها از میان‌رویدی‌ها بر می‌آید.^[45]

دو مین ویژگی این سلسله، احیای عنوان قیمی «پادشاه شوش و انشان» بود. ویژگی دیگر و مهم‌ترین آنها، حضور قرتمند خدایان فلات ایران در سوزیانا بود. برای نمونه، دیدگاه اونتش نپیریشه در چغازنبیل روشن گر است؛ در آغاز، شاه، زیگوراتی کوچک در داخل محوطه‌ای به مساحت ۱۰۵ متر مربع ساخت که به دور این محوطه، معبدهایی ساخته شده بود. این زیگورات ابتدایی ضرورتاً به اینشوشنیک، خدای حامی شوش و سوزیانا تقدیم شده بود. اما، شاه به‌زودی نظر خود را تغییر داد و تصمیم گرفت زیگورات بزرگی بسازد. زیگورات کوچک خراب شد و ساختمان‌هایی که محوطه مربع شکل را احاطه کرده بودند، در طبقه اول بنای جدید ادغام شدند. بنای جدید پنج طبقه داشت و مساحت هر طبقه از مساحت طبقه زیرین کمتر بود. لازم به تأکید است که ساختمان‌جدید، مشترکاً به نپیریشه، خدای اصلی انشان و اینشوشنیک وقف گردید. اینشوشنیک همواره بعد از نپیریشه و در مقام دوم ذکر می‌شود؛ حتی وقتی کیربریشه، زوجه نپیریشه حضور داشت، اینشوشنیک در مقام سوم می‌آمد. بدین ترتیب، تقدم جزء ایلامی بر جزء شوشی در ترتیب خدایان نیز منعکس گردید. اما موقعیت

رده شناسی نمی‌توان مسئلهٔ فوق را حل کرد و البته جایجایی برخی سازه‌های دستوری معین با شباهت سدهٔ ردهٔ شناختی نیز امکان‌پذیر نیست.^[46]

در زبان ایلامی کهن ساختمان واژه‌های مرکب را داریم. پدیده‌ای این چنین در تاریخ خط شرق باستان چیز تازه‌ای نیست.^[47]

زبان ایلامی، جایگاه خود را پس از ورود اقوام مهاجم نیز نگه داشت و زبان دوم نوشتاری حکومت ایران در دوران هخامنشی بود.^[48]^[49] در بیشتر سنگ نوشته‌های عصر هخامنشی ترجمه ایلامی و بالی (زبان بین‌المللی آن روزگار) نوشته‌ها نیز آمده‌است.

۵ دین ایلامیان

اساساً دین ایلامی به گونه‌ای پایدار، فردیت و خوصیات ویژه‌ای دارد. بخش از این فردیت در برگیرندهٔ نوعی عبودیت و احترام غیر متعارف به زنانگی ابدی و پرستش مار است که ریشه در جادو دارد؛ مار یک نقش‌مایه راستین تمدن ایلام است.^[50]

ایلامیان مطمئن بودند که همهٔ خدایان یک قدرت اسرارآمیز و فوق طبیعی دارند که به وسیلهٔ کلمهٔ «کیتن» بیان می‌شد؛ این کلمه از ایلامی به اکدی با تغییر شکل به صورت «کیدنو» وارد شد.

«کیتن هومبن» فره ایزدی خاص فرماتروایان بود، به ویژه وقتی که به رأس هرم خدایان ایلام رسید.^[51]

۱.۵ الهمه‌ای ایلامی

در ایلام سه الهمه عنوان مادر خدا را داشته‌اند. شوش پینیکیر را داشت، که احتمالاً از کوههای قسمت شمال منشأ گرفته بود، کیریریش مادر خدایان قسمت کنارهٔ جنوبی خلیج فارس بود، و کوههای شرقی قسمت انشان الهمه پرَتی را داشتند. اما به مرور زمان ترکیب جدیدی در ترتیب خدایان ایلامی به وجود آمد، مادر خدایان، چه پینیکیر و چه کیریریش، نه بی درگیری، سرانجام به برتری یک خدای مذکور گردن نهادند. اما این الهمه‌ای زن هرگز از گروه خدایان برتر ایلامی حذف نشدند، زیرا در قلب افراد عامی جایگاهی ابدی داشتند.

خدای مذکوری که الهمه‌ای بزرگ مجبور شدند جای خود را به او بدند هومبن بود. در طول هزاره سوم هنوز او در مقام سوم قرار داشت، اما از او سط هزاره دوم قبل از میلاد در رأس خدایان ایلامی قرار گرفت. هومبن به عنوان خدای آسمان‌ها، در شوش، او شوهر الهمه آسمان‌ها بود که ابتدا پینیکیر و بعدها کیریریش به شمار می‌آمد. در واقع، عنوان همسر بزرگ را داشت؛ که این ازدواج دوم منتج به تولد خدایی به نام هوتن شد.

از مهم ترین خدایان ایلامی می‌توان به این شوшинیک اشاره کرد که در میان همهٔ خدایان ایلامی عمیق ترین نفوذ را بر روحیات ایلامی‌ها داشته است. این خدا فرماتروای جهان مردگان بود و الهمه‌ای همکار او ایشنیکرب و لگمل بودند. در سرتاسر ایلام اعتقاد به زندگی پس از مرگ وجود داشته است، روح جدا شده از زمین توسط دو خدای راهنمای، ایشنیکرب و لگمل پیشواز و به سوی این شوшинیک راهنمایی می‌شد که رأی خود را در مقام «ازریاب روح‌ها» صادر می‌کرد.^[52]

خدای خورشید ایلامی نهونت نامیده می‌شد؛ که در اصل نهوند یعنی خالق روز بود. نهونت خدای مخصوص اجرای قوانین هم بوده است. خدای ماه احتمالاً نپیر نامیده می‌شد و لقب او درخشنده بود و برای ایلامیان بالاتر از همه پدر یتیمان محسوب می‌شد.

از دیگر خدایان ایلامی؛ سیموت که پیک نیرومند خدایان بود، منزَّت که همسر سیموت بود، سیموت که حافظ قصر خدایان بود، نهونت که الهمه پیروزی خوانده می‌شد، شُری خدای رودها که در محاکمات به عنوان قاضی آزمون‌های سخت به او متول می‌شدند را می‌توان ذکر کرد.^[53]

در داخل خاندان سلطنتی ایلام است. هوتلتوش اینشوشنیک به اندازهٔ شاهان قبلی اش با کفاایت نبود و برای مدت کوتاهی، نبوک نصر شوش را از وی گرفت. وی در انشان پناه گرفت، در آنجا معبدي را ساخت یا بازسازی کرد و سپس به شوش بازگشت، و احتمالاً در آن جا برادرش شیله‌نیا امرو لگمر جاشین وی شد. با این پادشاه، قدرت ایلام برای مدت طولانی از صحنهٔ سیاسی محو شد.^[42]

۴.۳ ایلام نو

ویژگی اصلی و متمایز‌کننده دوره ایلامی نو، ورود انبووه ایرانیان به فلات ایران بود، که در نتیجه، آنچه از امپراطوری ساقی ایلام بر جای مانده بود، باز هم کوچک‌تر شد. هر چند این مهاجمان در متون ایلامی دیر ظاهر می‌شوند، اما حضور ایشان بر اساس منابع آشوری مسلم است. در منابع آشوری دو گروه از مادهای متمایز شده‌اند: «مادهای قدرتمند» و «مادهای دور» یا «مادهایی که در کنار کوه بیکنی، کوهستان سنگ لاجورد، زندگی می‌کنند». گروه اول که منطقه اطراف هگمنانه (همدان امروزی) را اشغال کرده بود، بهدلیل برخوردهای مکرر و غالباً سیزده جویانه با آشوری‌ها به خوبی شناخته شده‌است؛ اما گروه دوم، شامل تمام قبایلی که نواحی میان اطراف تهران امروزی و شرق افغانستان را در دست داشتند، به خوبی شناخته نشده‌است. هخامنشیان (و به پیروی از ایشان، هروdotus) گروه دوم را به نام ذکر می‌کنند: «پارتی‌ها، سگرتی‌ها، آریان‌ها، مرگیان‌ها، باکتری‌ها، سعدی‌ها و احتمالاً مردمان همسایه ایشان» اما در سالنامه‌ای آشوری تمام این قبایل ایرانی (به اشتباہ) زیر عنوان کلی «مادهای دورست» آمده‌اند. یکی دانستن کوه بیکنی با دماوند و الوند قابل قبول نیست. یکی دانستن کوه بیکنی با منابع سنگ لاجورد در بدخشان نه تنها با نوشته‌های نویسنده‌گان کلاسیک تأیید می‌شود، بلکه از نظر تاریخی هم منطقی و قابل قبول است، خواه منابع آشوری، ایلامی، یا ایرانی آن را ثابت کردند. یکی دانستن و پارس‌ها در فلات، ایلامی‌ها را از انشان به سمت سوزیان راند، که نزدیک به هزار و پانصد سال دومین مرکز امپراطوری ایشان بود. سرزمین انشان به تدریج تبدیل به پارس گردید و تنها بعد از آن بود که سوزیان به عنوان ایلام شناخته شد. در بیشتر منابع این دوره، به ویژه در منابع میان‌روانی، سوزیان ایلام نام نمیده می‌شود. با این حال، شاهان ایلامی نو هنوز خود را «پادشاه انشان و شوش» می‌نامیدند؛ به جز سه شاه آخر، یعنی اومانونو، شلیه‌اک اینشوشنیک دوم و تپتی هومبان اینشوشنیک.^[43]

۴ زبان و خط ایلامی

نوشتار اصلی: زبان ایلامی

در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد وقتی سومریان خطی تصویری به عنوان ابزاری کمکی برای نگاه داری حساب هایشان اختراع کردند، این ابداع به سرعت به همسایگان ایلامی شان رسید. زیرا بالاصله پس از آن اولین لوحهای زبان تصویری ایلام را در شوش می‌بینیم. این به اصطلاح خط ایلامی آغازین، هم در شروع و هم تا مدتی بعد، مانند سومری، یک خط کامل‌ تصویری بود.^[44]

خط آغازین ایلامی احتمالاً حداقل ۱۵۰ نشانه داشته است. از این خط صرفًا تصویری، به تدریج یک خط هجایی به وجود آمد. نشانه‌های خط هجایی-ترسیمی در مرحله آخرین خود حدود ۸۰ نشانه بود و معمولاً از بالا به پایین نوشته می‌شد.^[45]

زبان ایلامی در مقایسه با زبان هوریایی، قفقازی و برخی زبان‌های دیگر، اصولاً تصویری ندارد. حتی اثیری از پایانه‌های صرفی در آن دیده نمی‌شود، اما تعداد قابل توجهی ادات واژه بست، پیشوند و میانوند خاص، یا به بیان دقیق تر، وند دارد.

زبان ایلامی در نوع خودش زبانی پیوندی است بدون هرگونه عنصر تصویری. ریشه اسامی و افعال در این زبان تغیر نمی‌کند. از این نظر زبان ایلامی به زبان اورال-التایی نزدیکتر است تا به زبان‌های قفقازی. اما تنها با یک شباهت

۶ ایلامیان و سومری‌ها

در سال ۲۲۸۰ پیش از میلاد ایلامیان که در اوج قدرت خود بودند، اور پایتخت سومریان را اشغال و غارت و خدای ویژه آن را به اسارت برداشتند. سومر مستعمره و خراج گذار ایلام شد و در پایان در ۲۱۱۵ ق.م در دوره فرماتروایی ریم سین دولت مشترک سومری ^[۵۴] اکدی را به طرزی نابود کردند که ملت سومر هیچگاه توانست از خواجه‌های تاریخ سر برآورد. مشیرالدوله پیرنیا در این باره می‌نویسد:

«دمورگان و سایر نویسنده‌گان فرانسوی به‌این عقیده‌اند که غلبه ایلامیان بر سومری‌ها و مردمان بنی سام نتایج تاریخی زیادی دربرداشته، توضیح اینکه ایلامیها بقدرتی با خشونت و بقسمی وحشیانه با ملل مغلوبه رفتار کردند، که آنها از ترس جان از مسaken و اوطان خود فرار کرده، هرگذاش بطرفی رفتارهایاند؛ بنابراین عقیده دارند مردمی که رتبه‌نوع آسور را پرستش می‌کردند، بطرف قسمت وسطی رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن رفته شالوده دولت آسور را نهادند. مهاجرت ابراهیم با طایفه خود به فلسطین و بالآخره هجوم هیکسوس‌های سامی نزد بمصر و تأسیس سلسه‌ای از فراعنه در آن مملکت نیز از نتائج غلبه ایلامیها بر ملل سامی نزد بود. اما کینگ باین عقیده‌است، که غلبه ایلامیها در ممالک غربی دوام نیافته، زیرا ایلامیها، چون استعداد اداره کردن مملکتی را نداشتن و غلبه آنها بیشتر به تاخت و تاز شبیه بود، توانستند ممالک مسخره را حفظ کنند». ^[۶۰]

۷ قلمرو فرماتروایی ایلامیان



نقشه‌ای از سرزمین عیلام باستان (نارنجی) و نواحی همسایه آن

پادشاهی ایلام در اوج قدرت خود توانسته بود حتی بر بخش‌های مهمی از میان‌رودان (بین‌النهرین) هم چیرگی یابد، اما محدوده قدرت مرکزی ایلام شامل سراسر سرزمین ایران نمی‌شد. این پادشاهی اتحادی بوده که ایل‌ها و طوابق منطقه را در بر می‌گرفته، اما چنین یکپارچگی می‌تواند به معنی امپراتوری نباشد. هرگاه ایلامیان قدرت داشتند، نقش مهمی در درگیری‌های سیاسی میان رودان بازی کرده و حتی بر بخش‌هایی از آن سرزمین و لو در زمان کوتاهی فرمان رانده‌اند. آن‌ها در حدود سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد میان‌رودان را به تصرف خود درآوردند و حکومت سومری را برای همیشه از صحنه تاریخ بیرون کردند. اما بهطور کلی بیشتر زیر نفوذ و خراج‌گذار اقوام سامی و سومری میان‌رودان بودند.

پروفسور گیرشمن و بسیاری از تاریخ‌دانان دیگر محل کنونی شهر مسجد سلیمان را پایتخت هخامنشیان می‌دانند. ^[۶۱]

آثار تمدنی ایلامیان که در اشنان و در شوش یافته شده نشانی از تمدن شهری بزرگی در آن دوران بوده‌است. تمدن ایلامیان از راه دریایی و بلوچستان

۲.۵ کاهنان معابد

در همه دوره‌ها یک حوزه مذهبی وابسته به معبد بود؛ در پایتخت کاهنان متعددی بودند و کارکنان زیادی داشتند. در رأس این حوزه کاهن اعظم قرار داشت. در نوشتارهای ایلامی عنوان آن را بر اساس ضبط اکدی اش، «پشیشو ربو» می‌توان یافت؛ کاهنان عادی عنوان ایلامی «شین» را داشتند. ^[۵۴]

کاهنه‌های زن ایلامی «مادر روحانی» که «اماهاشتوك» نامیده می‌شدند و عالیترین کاهنه ایلام بودند. این کاهنه باید همسر برادرش یعنی میهن سالار (سُوکل- مَخ) بود. از این رو، برای رسیدن به پادشاهی، نامزد این مقام، باستی حامل خون پادشاهی از طرف پدر و مادر هر دو بوده باشد که حتی مادر اهمیت بیشتری داشته است. ^[۵۵]

۳.۵ مراسم مذهبی

مهم ترین مراسم مذهبی در ایلام، فستیوال «الله نگهبان پایتخت» بوده است. از زمان‌های قدیم در شوش آکروپولیسی وجود داشته است که دارای حریم مقدس مشتمل بر معابد خدایان مختلف بوده که معبد این شوшинک معبد بر جسته آن بوده است. «الله نگهبان پایتخت» احتمالاً به پنیکیر اطلاق می‌شده است و شاید بعدها به کیربریش هم اطلاق می‌شده است.

فستیوال «مادر اعظم» در ماه جدید، نزدیک به شروع، فصل پاییز که در واقع آغاز سال هم بود، برگزار می‌شد. در باغ‌های مقدس الهه، فوج‌های اخته پرورش یافته طی مراسم مذهبی که به نام «گوشون» معروف بود، قربانی می‌شدند. از آنجا که این فستیوال «روز قربانی جاری» نامیده می‌شد، جربانی خون قربانی اهمیت ویژه‌ای داشت. حساب‌های درباری سلطنتی روشن می‌کند که این فستیوال تزکیه فقط در حریم مقدس صورت نمی‌گرفت، بلکه در حضور شاه و ملکه هم برگزار می‌شد. حیوانات لازم برای قربانی از میان رمه‌های سلطنتی در اوایل سپتامبر انتخاب می‌شد و پس از جدا کردن، هر مورد توسط منشیان مسئول به طریق مناسب رسمی ثبت می‌شد.

فستیوال «توگه» هم به خدای سیمومت (شیمومت) تخصیص یافته بود. برای این فستیوال، گاو نری را قربانی می‌کردند. این فستیوال سالی یک بار و در نیمه ماه مه برگزار می‌شد. ^[۵۶]

۴.۵ معابد مذهبی

اعمال منظم نیایشی ایلامیان - جدا از سفرهای زیارتیان - در معابد و زیارتگاههایی صورت می‌گرفت که مهم ترین معبد شناخته شده چغازنبیل است. در میان حصارهای داخلی و خارجی این معبد می‌توان باقی مانده‌های سه معبد دیگر را مشاهده کرد. در قسمت چپ داخلی، بلافصله پس از دروازه شمالی دیوار درونی، معبد هومین قرار دارد؛ در وسط در سمت راست شکل، جایگاهی قرار دارد که به دو خدا هیشمیتیک و روهوتر (اعضای پرستش گاه در کوههای انشان) اختصاص دارد. در گوشه شرقی صحن مقدس مکانی که سینکوک نامیده می‌شود معبدی است که به گروهی از خدایان تعلق داشته که شامل چهار جفت خدا تحت عنوان نیتر بوده‌اند؛ تپ و ازره ایلامی به معنای خدا است و رتبه در حالت جمع به معنای روزی دهنده است؛ به این ترتیب نیتر به معنای خدایان روزی دهنده - شاید خدایان مؤنث - بوده‌اند. ^[۵۷] از دیگر معابد ایلامیان می‌توان به معبد پرستشگاه سوھسیپا و پرستشگاههای بُلْتیا و ایشنى کاراب (ایشیکرب) اشاره نمود. ^[۵۸]

جالب ترین ویژگی معابد ایلامی وجود سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب می‌شد. سنگ نبشته‌های ایلامی میانه ثابت می‌کند که این شاخها اول جزء مهمی از هر معبد را می‌ساختند، چون نماد الوهیت بود. ^[۵۹]

رعیت، کارگزار زمینی کیتن الهی می‌دانستند.^[65] کسی که به آن تعبدی می‌کرد، زندگی خود را می‌باخت، مطرود می‌شد و می‌بایست بمیرد.^[66] البته باید توجه داشت که همه خدایان ایلامی چنین کیتنی داشتند ولی کیتن هومبان لاقل از زمانی که این خدا به سوری خدایان ایلامی رسید، فرۀ خاص فرمانروا به حساب می‌آمد. کیتن ایزد هومبان، مخصوص پاسداری ایزدی از شاه ایلام بود و قلمرو حکومت شاه، قلمرو مشترک او با ایزدان بود. برای نمونه، در سندي قضایي درباره مجازات، امده است: «او باید وارد آب شود، ایزد [روخانه] شازی، جمجمۀ او را در گرداب خود توکته کند! دیوب ایزد و شاه بر سر او کوفته شود! از قلمروی ایزد و شاه راند شود!»^[67] در دادگاههای حقوقی ایلام نیز شهادت دادن با ادای سوگند به شاه و ایزدان انجام می‌شد و اگر کسی شهادت دروغ می‌داد، ولو اینکه تنها به شاه سوگند خورده باشد، کشته می‌شود؛ بنابراین تخطی از تعهدی که سوگند به فرمانروا ضامن آن بود، نه تنها باعث مجازات‌های دنیوی می‌شد، بلکه عاقب مذهبی سختی نیز در بی داشت و نشان‌گر این نکته است که در دوره ایلامی، شاهان خود را جانشین و خادم ایزدان بر روی زمین می‌دانستند و هرگونه مخالفت با خود، مخالفت با خدایان تلقی می‌شد و مجازات یکسانی داشت.^[68]

بنیان‌گذار دودمان آپرتی که در حدود سال ۱۸۵۰ پیش از میلاد تشکیل شده بود، با تأکید بسیاری خود را «شاه» می‌نامید و هرگز خودش را «حاکم» نخواهد. اما در لوحی که از سال اول فرمانروایی او بهدست آمده، او خود را «خداء» می‌نامد. این نخستین و تنها باری است که یک فرمانروای ایلامی به مقام خدایی رسیده است. والتر هینتس در این باره می‌گوید: «براساس این لوح می‌توان نتیجه گرفت که به قدرت رسیدن اپرت باید یک بودیاد بی‌اندازه مهم باشد». البته بهزادی این «خود خدالنگاری» شاه کنار گذاشته شد و شاهان ایلامی خود را خادم و ابزار دست ایزدان می‌دانستند که از حمایت خاص آنان برخوردار بودند و هیچ‌گاه خود را همسنگ ایزدان بهشمار نمی‌آوردند.^[69]

شیوه حکومت ایلامی‌ها تا قبل از سده دوازدهم پیش از میلاد، حکومتی سه نفره بود. به این صورت که علاوه بر شاه، دو زمامدار مقندر دیگر که مرئوس شاه محسوب می‌شوند، در حکومت بر ایلام سهیم بودند. این دو نفر، برادر و پسر شاه بودند که برادر جوان‌تر شاه نائب‌السلطنه بود و پس از شخص شاه، مقام برتر را داشت و پس از او حاکم شوش بود که می‌بایست پسر شاه باشد.^[70] به عقیده دیاکونوف، عنوان پا لقب سلطنتی، از پدر به پسر نمی‌رسید و محتملًا شاهان از میان مقامات عالی‌ترهای پایین‌تر برگزیده و انتخاب می‌شوند؛ به احتمالی، این عالی‌رتبگان معمولاً از نزدیک‌ترین وابستگان شاهان پیشین بوده‌اند.^[71] اما والتر هینتس معتقد است که نائب‌السلطنه، پس از درگذشت شاه به خاتمه از خود را به تخت می‌نشست و پس از جلوس، می‌بایست با بیوه شاه متوفی ازدواج کند و برادر جوان‌تر نائب‌السلطنه می‌شد. اگر شاه برادر جوان‌تری نداشت، شاهزاده شوش به مقام نائب‌السلطنه ایلام می‌رسید. اما با جلوس شاه جدید، حاکم شوش در منصب خود باقی می‌ماند و فقط در صورت مرگ او، شاه ایلام می‌توانست پسر خود را به جای وی بگمارد. اگر شاه پسری نداشت، پسر برادر شاه، شاهزاده شوش می‌شد و اگر او پسر و پسر برادری نداشت، پسر خواهر شاه شاهزاده شوش می‌شد. البته از سده دوازدهم پیش از میلاد به بعد، شاه ایلام به‌تهنایی و بدون دو مقام دیگر حکومت می‌کرد. باید توجه داشت که بهارت بردن شاهی، تابع تبار مادری بود و نه پدری. برای نمونه، در دوره ایلام میانه، شیله‌اک-اینشوشنیاک با مشاهده اینکه جانشینی نیازمند تبار شاهی از سوی مادر است و از آنجا که خود محتملاً فرزند ملکه نبود، برای مشروعیت‌بخشی به حکومتش، ابتدا با بیوه برادرش ازدواج کرد و سپس در کتبه‌هایش فهرست بلندی از نسب‌شناسی شاهان ایلامی یعنی اجداد احتمالی خودش را نگاشت.^[72]

فرانسو والا در دانشنامه ایرانیکا می‌نویسد: «جانشینی بر تخت شاهی حق پسر ارشد بود، اما یک عنصر مهم به آن اضافه شده بود: فرزندان حاصل از ازدواج درون خانوادگی بر فرزندان حاصل از ازدواج با غریبه‌ها تقدم داشتند. فرزندی که از وصلت پادشاه یا یک شاهزاده خانم ایلامی، یعنی غریبه به دنیا می‌آمد مشروع بود ولی فرزندی که از وصلت پادشاه با خواهر خودش به دنیا می‌آمد مشروع بود بالاتری داشت». بنابراین پسر ارشدی که از ازدواج شاه با یک شاهزاده خانم خارج از خانواده به دنیا می‌آمد، می‌بایست تاج و تخت را به برادر کوچکتری که از ازدواج بعدی با خواهرش زاده می‌شد و اگذار کند. پسری که از ازدواج شاه با دخترش به دنیا می‌آمد بالاترین درجه مشروعیت را

با تمدن پیرامون رود سند در هند و از راه شوش با تمدن سومر مربوط می‌شده است.

۸ نابودی تمدن ایلام

در سال ۶۴۰ ق. م. آشور بانیپال پادشاه نیرومند آشور، ایلام را تصرف و مردم ایلام را کشتار و دولت ایلام را تابود کرد. تمدن درینه ایلام، پس از هزاران سال مقاومت در برابر اقوام نیرومندی چون سومری‌ها، آکدی‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها از دشمن خود آشور شکست خورد و از صفحه روزگار ناپدید گردید. کتبه آشور بانیپال در باره فتح و نابودی ایلام چنین می‌گوید:^[62]

تمام خاک شهر شوشان و شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را با تبره به آشور کشیدم، و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را با همه پهناهی آن، جاروب کردم. من این کشور را از چاربایان و گوسبند، و نیز از نعمه‌های موسیقی بی‌بهره ساختم و به درندگان، ماران، جانوران و آهوان رخصت دادم که آن را فرو گیرند.

۹ آثار بجا مانده



تصویر یک زن ایلامی

۱.۹ زیگورات چغازنبیل

این بنا که در ۱۹۷۹ در فهرست بازماند (میراث) جهانی یونسکو جای گرفت در استان خوزستان ایران، جنوب شرقی شهر باستانی شوش جای گرفته است. ساخت آن در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد و توسط اونتاش گال برای ستابیش ایزد اینشوشیناک نگهبان شوش انجام شده است. این بنا در حمله آشور بانیپال به همراه تمدن عیلامی نابود شد و پس از آن زیر خاک از دیده‌ها ناپدید گردیده بود تا دوران کوتونی که توسط رومن گریشمن ایلام‌شناس فرانسوی خاکبرداری گردید.^[63]

۱۰ ساختار حکومت ایلام

عنصر اساسی نظام حکومتی ایلام، درهم‌تندیگی آن با فرۀ ایزدی بود.^[64] به این فره، در تمدن ایلامی کیتن گفته می‌شد که طلسمی جادوی، فرۀ ایزدی، قدرت محافظ و همچنین قدرت مجازات‌گر بود. پادشاهان ایلام قدرت خود را بر پایه محافظت جادوی کیتن استوار می‌کردند و خود را در برابر



تندیس مسین خدای زرین دست، احتمالاً اینشوشنیناک، خدای شهر شوش، با آرایش موی شاخدار و دامان چین چین که در اصل با روکشی از زر پوشیده شده بوده. او ایل هزاره دوم پیش از میلاد، کشف شده در شوش. محل نگهداری موزه لوور.

[۹] ادوین ام. یا ما اوجی. ایران و ادیان باستانی. ترجمه منوچهر پژشک. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۰، ص. ۳۲۴.

داشت. برای نمونه، خوتلوتووش اینشوشنیناک حاصل از ودادج شوتروک نخونته [۷۳] و دخترش بود.

۱۱ اشیای تاریخی به جامانده از ایلامیان

از تمدن عیلام اشیاء و آثار متعددی به جا مانده است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره شده است:

- گلدان با موجود دو شاخ
- تندیس نقره‌ای گاو نشسته
- کلاه‌خود پرنده و سه پیکر
- تابلو مراسم نیایش راهبه‌های آفتاب
- تندیس ناپیرآسو (تندیس مفرغی متعلق به ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد و در موزه لوور نگهداری می‌شود)
- تندیس فاخته لاجوردی
- سنگ‌نگاره بز با دم ماهی
- نقش بر جسته عیلامی در نقش رستم
- سنگ‌نگاره زن ایلامی و ندیمه
- سنگ‌نگاره یادبود اونتاش ناپیرشا
- جام نقره‌ای زن ایلامی (مریبوط به هزاره سوم پیش از میلاد که در مرودشت کشف شده و در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود)
- تندیس فلزی ایلامی، متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد که در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود.
- تندیس خدای زرین دست

۱۲ پانویس

ELAM. [1]

2700 BC: a first dynasty creates the Elamite kingdom [2] (non Semitic) in western Persia with capital in Susa
scaruffi.com

CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [3]
iranicaonline.org

CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [4]
iranicaonline.org

CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [5]
iranicaonline.org

CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [6]
iranicaonline.org

ELAM. [7]

Kent, Roland. *Old Persian: Grammar, Texts & Lexicon* [8] (American Oriental Series, 33). American Oriental Society, 1953. page 53. ISBN 0-940490-33-1.

- [10] کتاب مقدس (شامل عهد عتیق و عهد جدید). انتشارات ایلام، ۲۰۰۵، چاپ چهارم.
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [11]
iranicaonline.org
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [12]
iranicaonline.org
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [13]
iranicaonline.org
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [14]
iranicaonline.org
- Vallat, *The history of Elam*. [15]
- Vallat, *The history of Elam*. [16]
- Vallat, *The history of Elam*. [17]
- Vallat, *The history of Elam*. [18]
- Vallat, *The history of Elam*. [19]
- Vallat, *The history of Elam*. [20]
- Vallat, *The history of Elam*. [21]
- Vallat, *The history of Elam*. [22]
- Vallat, *The history of Elam*. [23]
- Vallat, *The history of Elam*. [24]
- Vallat, *The history of Elam*. [25]
- Vallat, *The history of Elam*. [26]
- Vallat, *The history of Elam*. [27]
- Vallat, *The history of Elam*. [28]
- Vallat, *The history of Elam*. [29]
- Vallat, *The history of Elam*. [30]
- [31] زارعی، محمد ابراهیم. آشنایی با معماری جهان. فن آوران، ۱۳۹۱.
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [32]
iranicaonline.org
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [33]
iranicaonline.org
- CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1 [34]
iranicaonline.org
- Vallat, *The history of Elam*. [35]
- Vallat, *The history of Elam*. [36]
- Vallat, *The history of Elam*. [37]
- Vallat, *The history of Elam*. [38]
- Vallat, *The history of Elam*. [39]
- Vallat, *The history of Elam*. [40]
- Vallat, *The history of Elam*. [41]
- Vallat, *The history of Elam*. [42]
- Vallat, *The history of Elam*. [43]
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۱۹.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۲۱.
- علیف، پادشاهی ماد، ۱۰۹.
- هینتس، یافته‌های تازه از ایران باستان، ۳۶.
- در تاریکی هزاره‌ها، ایرج اسکندری، ناشر: نگاه.
- تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، آ. آ. گرانتوسکی - م. آ. داندامایو، مترجم، کیخسرو کشاورزی، ناشر: مروارید ۱۳۸۵ - (ص: ۲۴-۴۸).
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۱.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۰-۳۹.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۷ و ۵۷.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۰-۳۳.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۵۰.
- دیاکونوف. تاریخ ایران دوره ماد، تاریخ کمپریج. ویراستار ایلیا گرشویچ. ترجمه بهرام شالگونی. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۷، صص ۵۷-۵۸.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۹-۴۸.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۴-۴۳.
- کامرون، ایران در سیده‌دم تاریخ، ۹۵-۹۳.
- هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۶.
- پیرنی، ایران باستان، ۱۱۸.
- «ایلام: مهد اولیه تمدن ایرانی» (فارسی). مرکز استند و مدارک سازمان میراث فرهنگی. بازبینی شده در ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
- «تقدیم به جویندگان راه حق» (فارسی). وبگاه محمد برای مسیح. بازبینی شده در ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
- ایران زمین؛ زیگورات چغازنبیل (ایسکانیوز، آبان ۱۳۸۶) [63]
- هینتس، شهریاری ایلام، ۱۸.
- میرسعیدی، تاریخ ایران باستان، ۲۰۹.
- هینتس، شهریاری ایلام، ۶۰.
- هینتس، شهریاری ایلام، ۱۲۲.
- هینتس، شهریاری ایلام، ۱۰۵.
- هینتس، شهریاری ایلام، ۱۰۵.
- میرسعیدی، تاریخ ایران باستان، ۱۹۳.
- دیاکونوف، عیلام، ۱۹.
- دیاکونوف، عیلام، ۳۰.
- Vallat, *The history of Elam*. [73]
- فهرست تمدن‌ها و جاهای باستانی ایران پیش از تمدن ایلام
- گاهشمار تاریخ ایران از غارنشینی تا ظهور خامنشیان

۱۳ جستارهای وابسته

۱۴ منابع

- اکبری، حسن. «علام و علامه‌ها». باستان پژوهی، ۱۳۸۲.
- شیرین بیانی. «علام: یکی از سرچشمه‌های تمدن ایرانی». یغما، ۱۳۴۹.
- کامرون، جرج. ایران در سپیده دم تاریخ. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۵-۱۳۸۷.
- علیف، اقرار. پادشاهی ماد. ترجمه کامبیز میربها. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸. شابک ۳-۷۹۹-۳۱۱-۹۶۴-۹۷۸.
- تاریخ اجتماعی ایران (جلد ۱)، مرتضی راوندی - (ص ۱۴۲-۱۳۳)
- دیاکونوف، ایگور. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۵-۱۰۶-۵.
- تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، پیگلولوسکایا، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۳.
- دیاکونوف، ایگور. «علام». در تاریخ ایران کمبریج. ج. دوم، قسمت اول. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲-۷۸۸۶.
- مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن ایلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰-۱۰۶۰-۳-۷.
- میرسعیدی، نادر. «تاریخ و تمدن ایلام باستان». در تاریخ ایران باستان. تهران: سمت، ۱۳۹۰. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۴۸۸-۰.
- هینتس، والتر. دنیای گمشده علام. ترجمه فیروز فیروزینیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸. شابک ۹۷۸-۶۰-۱۲۱-۰۰-۰-۱۲۱-۰۱۸-۱.
- هینتس، والتر. شهریاری ایلام. ترجمه پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۹. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۷۱-۵۲-۰.
- هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه پرویز رجبی. چاپ سوم. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۶۳۸-۵.

Delaunay, J. A. “AŠŠURBANIPAL”. *Encyclopædia Iranica*. December 15, 1987. Retrieved 18 June 2014.

“ELAM”. In *Encyclopædia Iranica*. 1998. Retrieved 31 January 2014.

Vallat, François. “ELAM i. The history of Elam”. In *Encyclopædia Iranica*. 1998. Retrieved 31 January 2014.

۱۵ پیوند به بیرون

- نگاهی به تاریخ علام به همراه عکس (به زبان فارسی)
- تاریخ مختصر ایلام به همراه عکس (به زبان انگلیسی)
- هایدماری کخ. «خداشناسی و پرستش در علام و ایران هخامنشی». باستان پژوهی، ۱۳۸۲.

۱۶ مراجع متن و تصویر، مشارکت‌کنندگان و مجوزها

۱.۱۶ متن

- ایلام (تمدن)منبع: [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85_\(%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85_(%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86)) مشارکت‌کنندگان: ?oldid=16510004 میتوانیم، Sicaspi، VolkovBot، Omid.koli، آرش، Ariobarzan، Khazaei، Mehran، Ladsgroup، سیمیرغ، Farshad، مانی، Farshad، ZJack72، Arash.pt، Dinamik-bot، نوئن، robot، Amirobot، Iroony، Luckas-bot، Darafsh، Saeidpourbabak، Xqbot، GhalyBot، Alborz Fallah، ZxxZxxZ، EmausBot، ZéroBot، Amolbot، Ahura21، Mohamadhosseini، JackieBot، Alborzagros، Udufruduhu، Calak، Roozitaan، Maahmaah، Rezabot، Merkhas، Ripchip Bot، MerIlwBot، Iran-art-poem، Bkouhi، ChuispastonBot، WikitanvirBot، DbBot، MahdiBot، JYBot، Dexbot، Samak، Morholt، Museum-fawiki، Yamaha5، Oushbam، Holli-irani، فلوراپس، Shahab.javi، Espiral، Sarafarزاد، Zmahnaz، Haji doliskani، Saran133، Oyakmohsen، Ahmad majed، Fatemibot، AminSoltani7، Gnat، Bitafarhadی، KasparBot، Solimommale، Piroz12، R.tehrani، Mahan akbari و ناشناس: 28

۲.۱۶ تصاویر

- برونده: [Bronze_flag,_Shadad_Kerman,_Iran.JPG](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/94/Bronze_flag%2C_Bronze_flag,_Shadad_Kerman,_Iran.JPG) Bronze_flag,_Shadad_Kerman,_Iran.JPG منبع: History of Art in Iran from website: www.chap.sch.ir مجوز: Shadad_Kerman%2C_Iran.JPG هنرمند اصلی: تامعوم Public domain مشارکت‌کنندگان: a href='//www.wikidata.org/wiki/Q4233718' title='wikidata:Q4233718'><img alt='wikidata:Q4233718' src='https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/20px-Wikidata-logo.svg.png' width='20' height='11' srcset='https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/30px-Wikidata-logo.svg.png 1.5x, https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/f/ff/Wikidata-logo.svg/40px-Wikidata-logo.svg.png 2x' data-file-width='1050' <data-file-height='590' />
- برونده: Commons-logo.svg منبع: [Commons-logo.svg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/4a/Commons-logo.svg) Commons-logo.svg منبع: Public domain مجوز: This version created by Pumba, using a proper partial circle and SVG geometry features. (Former versions used to be slightly warped.) هنرمند اصلی: by Reidab مشارکت‌کنندگان: .by Reidab
- برونده: [Dynastic_list_Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/58/Dynastic_list_Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg) Dynastic_list_Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg منبع: Marie-Lan Nguyen (User:Jastrow), 2009-03-15 مجوز: Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg هنرمند اصلی: ? مشارکت‌کنندگان: CC BY 2.5
- برونده: Elam-map-fa.svg منبع: [Elam-map-fa.svg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/8/88/Elam-map_fa.svg) Elam-map-fa.svg منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/8/88/Elam-map_fa.svg مجوز: CC BY-SA 3.0 هنرمند اصلی: Elam-map-PL.svg: Wkotwica: File:Near East topographic map-blank.svg مشارکت‌کنندگان: CC BY-SA 3.0
- برونده: Flag_of_Iran.svg منبع: [Flag_of_Iran.svg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg) Flag_of_Iran.svg منبع: Public domain مجوز: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg مشارکت‌کنندگان: URL http://www.isiri.org/portal/files/std/1.htm and an English translation / interpretation at URL http://flagspot.net/flags/ir.html هنرمند اصلی: Various
- برونده: God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg منبع: [God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c9/God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg) God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg منبع: Marie-Lan Nguyen (User:Jastrow), 2009-03-15 مجوز: Sb2823.jpg هنرمند اصلی: ? مشارکت‌کنندگان: CC BY 2.5
- برونده: Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg منبع: [Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/db/Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg) Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg منبع: Marie-Lan Nguyen (User:Jastrow), 2009-03-15 مجوز: Sb21965.jpg هنرمند اصلی: ? مشارکت‌کنندگان: CC BY 2.5
- برونده: Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg منبع: [Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d5/Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg) Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg منبع: Marie-Lan Nguyen (User:Jastrow), 2009-03-15 مجوز: Sb2834.jpg هنرمند اصلی: ? مشارکت‌کنندگان: CC BY 2.5

۳.۱۶ محتوای مجوز

Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0